

سال ۱۳۸۵ فصلنامه پژوهش‌های فلسفی و فقهی، ۲،  
تابستان ۱۳۸۵  
صفحه ۲۳ تا ۳۲

### گفتمان تجدد: اتنوگرافی گفتمان تجدد در جامعه ایران\*

دکتر حسن بشیر:

عضو هیات علمی و رئیس دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

#### چکیده:

در این مقاله «گفتمان تجدد» در ایران از دوران مشروطیت تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته است. در این رابطه به امکانهای مختلف، زمینه‌های تسلط، عرصه‌های گوناگون بحث، و بالاخره آینده گفتمان مزبور اشاره گردیده است، مقاله مزبور تأکید می‌کند، گفتمان تجدد در شرایط جدید «جهانی شدن» بویژه با تأکید بر دیدگاههای اسلامی، ایرانی، نیازمند بررسی و ارزیابی جدیدی است که بحران یکصد ساله در این زمینه را بطور جدی مورد توجه قرار دهد.

**کلید واژه:** گفتمان تجدد، مشروطیت، جهانی شدن، سنت، فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی

#### پیش‌درآمد:

یک صد سال از دوران مشروطیت می‌گذرد، اما همچنان سؤالیهای اولیه مربوط به دگرگونی و نوسازی یا به عبارت دیگر مسائل مربوط به «سنت» و «تجدد» همچنان به قوت خود باقی است. آنچه که در این میان مهم است تنوع بحث‌ها و دیدگاه‌هایی است که در این زمینه مطرح بوده و از غربی - غربی تا بومی - بومی می‌باشد. شناخت هر چه بیشتر محتوای دیدگاه‌های مزبور می‌تواند در جهت ارزیابی آنها ما را یاری کند. آنچه که در این بحث عمده‌تاً مورد توجه قرار گرفته «اتنوگرافی» گفتمان تجدد در ایران از دوران مشروطیت تاکنون است. لازم به ذکر است که این بحث در همین جا خاتمه نمی‌یابد. جریان مربوط به «سنت» و «مدرنیته» همچنان در بحث‌های دانشگاهی و مردمی همچنان جاری است و هر از چند گاهی با دیدگاه‌های جدیدی روبرو می‌شویم. که لازم است مورد توجه قرار گیرند.

دوران انقلاب مشروطیت دوران تسلط فرهنگ تجدد (Modernity) بر ایران در قرن نوزدهم میلادی است. گفتمان تجدد که چند سالی قبل از این دوران در میان جامعه آغاز شده بود در دوره مشروطیت بیار نشست. و مشروطیت در حقیقت محصول گفتمان تجدد در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران در قرن نوزدهم است که توانست برای مدتی سلطه خود را بر ساختارهای مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی گسترش بدهد و مفاهیم متجدد غربی را در قالبی «نیمه ایرانی-اسلامی-نیمه غربی» در جامعه حکمفرما کند. گفتمان مزبور از این نظر «نیمه ایرانی-نیمه غربی» است که از یک طرف ریشه در فرهنگ ایرانی-اسلامی و از طرف دیگر پای در عرصه فرهنگ غربی دارد. از طرفی گفتمان مزبور در تلاش بود که برتری و بدیع بودن خود را بر گفتمان سنتی و کهنه موجود در آن زمان بنمایاند و از طرفی دیگر در صدد آن بود که خود را در ستیز با فرهنگ سنتی و بومی نشان ندهد. این وضعیت پارادوکسیکال، فرهنگ اجتماعی دو گانه‌ای را بر جامعه حاکم کرد که خود زاینده گفتمان‌های بعدی در جامعه ایران گردید که تاکنون نیز ادامه دارد. شاید با قاطعیت بتوان گفت که گفتمان کنونی جامعه ایران درباره تجدد و مدرنیسم و تحول به سمت جامعه مدنی و مدل‌های مختلف دموکراسی و حاکمیت مردم بر ساختارهای مختلف حکومتی بیش از آنچه که بخواهد زاینده و بالانده گردد و به سمت تثبیت و تحکیم پایه‌های دموکراسی با بهره برداری از فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن باشد در صدد حل پارادوکس مزبور بوده و هنوز هم نتوانسته است گره از کلاف سر در گم سنت و تجدد باز گشاید.<sup>۱</sup>

علی رغم گذشت بیش از یک قرن از گفتمان تجدد در ایران، هنوز ماهیت گفتمان مزبور با آنچه که در قرن نوزدهم میلادی بوده است تفاوت اساسی پیدا نکرده است.<sup>۲</sup> آنچه که در حقیقت گفتمان معاصر را از گفتمان گذشته در این زمینه متمایز می‌کند زبان گفتمان است که تحول اساسی پیدا کرده است.<sup>۳</sup> مقصود از «زبان گفتمان» چگونگی و شیوه طرح موضوع و بحث در باره مسائل و جنبه‌های مختلف پیرامون تجدد و پیامدهای آن می‌باشد. در حقیقت آنچه که بطور اساسی متحول شده است تغییر زاویه نگاه به این موضوع است نه آنکه مسائل مربوط به موضوع بلحاظ ماهیتی و کاربردی دستخوش تغییر جدی چه از نظر تئوری و چه از نظر عملی شده باشند. این مساله نیاز به توضیح بیشتر دارد که لازم است در اینجا به آن اشاره گردد.

گفتمان اجتماعی<sup>۴</sup> قرن نوزدهم ایران بر پایه دو اصل «اسلام گرایی» و «غرب گرایی» استوار بوده که در جایی نیمه «ایرانی-اسلامی» بر نیمه غربی مسلط بوده و در جای دیگر نیمه غربی بر نیمه ایرانی و یا عبارتی نیمه اسلامی حاکم بوده است. بنظر می‌رسد آنچه که در دوران مشروطیت اهمیت داشت حفاظت از ظاهر گفتمان و عدم غلطیدن آن در عرصه گفتمان کفر آمیز و یا کاملاً سکولار غربی<sup>۵</sup> بود. مثال بارز این گونه گفتمان، نوشته‌های میرزا ملکم خان در رونامه معروف «قانون» است. ملکم خان را می‌توان یکی از مهمترین

بنیان گذاران راه‌اندازی گفت‌مان تجدد در ایران دانست. همچنین وی «یکی از اصلی‌ترین پیشتازان اقتباس نظام سیاسی غرب در ایران بود».<sup>۶</sup> ملکم خان در کلیه نوشته‌های خود، بویژه در روزنامه قانون که باید آن را مانیفست گفت‌مان تجدد ایران در قرن نوزدهم بحساب آورد، تلاش کرده است که ضمن طرح اندیشه‌های مدرن و غربی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، خود را بعنوان مخالف با سنت و دین قلمداد نکرده و عبارتی گفت‌مان خود را در تعارض و تقابل با گفت‌مان سنتی و دینی حاکم بر جامعه آن روز نشان ندهد و هر کجا که بحث از تجدد می‌کند، سنت و فرهنگ بومی و دین را نیز وارد میدان ساخته و بحث خود را در تناقض و تضاد با مسائل مزبور نداند. این موضوع خود نشان دهنده ضرورت غالب کردن نگاه سنت بر تجدد بوده که الزاماً بمعنای اعتقاد درونی ملکم خان به آن نبوده ولی نوعی از تحول در چگونگی طرح تجدد در کنار سنت و فرهنگ بومی بشمار می‌آید.

طرح نمونه‌هایی از نوشته‌های روزنامه قانون برای نشان دادن چگونگی و لزوم همزیستی و طرح مزدوج فرهنگ سنتی ایرانی - اسلامی در کنار مدرنیسم غربی را در اینجا لازم می‌دانم. البته روشن است که آنچه که از ملکم خان در این زمینه به رشته تحریر در آمده است همانگونه که مورد تأکید قرار گرفت الزاماً نشان دهنده اعتقاد وی به اینگونه مسائل نبوده ولی قطعاً منعکس کننده ضرورت طرح این مسائل به شیوه مزبور می‌باشد. ملکم خان می‌گوید:

«من به اروپا رفته و نظامهای دینی، اجتماعی و سیاسی آنان را مطالعه کردم. من روحیهی فرقه‌های مختلف مسیحیت و سازمان جوامع مخفی و فراماسونری را آموختم و به برنامه‌ای رسیدم که باید عقل سیاسی اروپا را با عقل دینی آسیایی با هم به کار گیرد. من می‌دانستم که بی‌فایده است ایران را به الگوی اروپایی تغییر شکل دهیم و تصمیم گرفتم محتوای اصلاحات خود را به لباسی بیوشانم که مردم من بتوانند آن را بفهمند. آن لباس مذهب بود.»<sup>۷</sup>

و در جای دیگر می‌گوید:

«بعضی‌ها چنان تصور می‌کنند که ما می‌خواهیم بواسطه‌ی این جریده در ایران قوانین تازه نشر بدهیم. این تصور بکلی غلط است. مقصود و احتیاج ما بهیچ وجه این نیست که از برای خلق ایران قوانین تازه اختراع نمائیم. آن قوانین و آن اصول که خدا و پیغمبر و حکما به علمای اسلام یاد داده‌اند همه را خیلی صحیح و کافی می‌دانیم».<sup>۸</sup>

ملکم خان در جای دیگر همه علوم و هر گونه ترقی بر روی زمین را از پرتو آفتاب اسلام می‌داند.

«در تحقیق امور عالم باید این معنی اصلی را همیشه مد نظر خود حاضر و مجسم داشته باشید که اسلام جامع جمیع حقایق دنیاست. در هر نقطه‌ی روی زمین هر علم و هر ترقی که بروز بکند بدانید که از پر تو آفتاب اسلام است.»<sup>۹</sup>

حامد الگار، نویسنده مسلمان و معروف آمریکایی در کتابی که در باره ملکم خان نوشته است «به دین خواهی او با دیده‌ی تردید نگریسته و معتقد است که هدف ملکم خان از تلاش برای آشتی دادن میان شریعت و مدرنیته این است که جریان نوگرایی را به گونه‌ای معرفی نماید که کمتر مورد مخالفت دین قرار گیرد.»<sup>۱۰</sup>

### ۱- گفتمان تجدد: امکانهای مختلف

یکی از مهمترین مسائل مربوط به گفتمان تجدد در ایران وجود امکانهای مختلف این گفتمان در اندیشه متفکران و مصلحین است که عمدتاً در پیرامون امکان جمع شدن یا نشدن پدیده تجدد با فرهنگ دینی و یا فرهنگ بومی است. شاید این موضوع اصلی‌ترین مسأله‌ای است که تاکنون نه تنها از نظر فکری بلکه از نظر عملی و کاربردی مورد توجه بوده باشد. در اینجا ما در صدد این نیستیم که در باره ارزشهای علمی و یا عملی امکانهای مزبور بحث کنیم. آنچه که این مقاله در صدد آن است ارائه یک جمع بندی کلی از گفتمانهای مختلف در این زمینه می‌باشد. در این زمینه می‌توان امکانهای ذیل را مطرح کرد.

#### ۱-۱- امکان طرح تجدد در کنار فرهنگ سنتی - بومی (فرهنگ ایرانی).

برخی از روشنفکران امکان طرح تجدد در کنار فرهنگ بومی ایرانی (منهای اسلام) را مورد توجه قرار داده و میان «تجدد» و «فرهنگ ایرانی» اختلاف جدی قائل نشده‌اند. البته آنچه که در این زمینه برای آنان مهم بوده، مقولاتی از فرهنگ سنتی ایران است که با اصول تجدد مخالف نبوده ولی با مقولاتی که بنحوی می‌توان تشابهی میان آنها و اصول اسلامی یافت، عمدتاً مخالف و یا موافق نبودند. این دسته از روشنفکران دین را مخالف تجدد دانسته و آنرا مانعی اصلی در مقابل توسعه اجتماعی و سیاسی کشور می‌دانستند. آخوندزاده<sup>۱۱</sup>، تقی‌زاده<sup>۱۲</sup>، و طالبوف<sup>۱۳</sup> را می‌توان نمونه‌ای از این نوع روشنفکران دانست.

#### ۱-۲- عدم امکان طرح تجدد در کنار فرهنگ دینی (فرهنگ اسلامی).

#### ۱-۳- امکان همزیستی تجدد با فرهنگ بومی - دینی (ایرانی - اسلامی).

امکان همزیستی تجدد با فرهنگ بومی ایرانی و نیز اسلامی بعنوان اینکه اسلام بخش عمده‌ای از فرهنگ بومی ایرانی را تشکیل داده و امکان تفکیک این دو از یکدیگر وجود ندارد، مطلبی است که توسط بسیاری از روشنفکران دینی همچون سید جمال الدین اسد آبادی، از قرن نوزدهم و آل احمد، مهندس بازرگان و دکتر شریعتی از قرن بیستم مورد تایید قرار گرفته است.

## ۲- گفتمان تجدد: زمینه‌های تسلط

زمینه‌های تسلط گفتمان‌های مختلف در جریان ورود جامعه ایرانی به حوزه گفتمان تجدد و آشنائی با مفاهیم آن، چه از بعد نظری و چه از بعد عملی، در طول زمان شکل‌های گوناگونی بخود گرفته که می‌توان این زمینه‌ها را بطور کلی به شکل زیر عنوان کرد. بدیهی است که در اینجا نوعی از تسلسل زمانی در کیفیت تلقی و ارزیابی مفهوم تجدد توسط روشنفکران جامعه و امکانه‌های مختلف آن وجود داشته که طبعاً با طی زمان و تجربه‌های مکرر در این زمینه غنی‌تر شده و در نوع خود ارزشمند می‌باشد.

## ۲-۱- غلبه گفتمان غرب‌گرائی:

در مراحل آغازین آشنائی جامعه ایرانی با تجدد غربی در قرن نوزدهم میلادی، دو شیوه از تسلط گفتمان غرب‌گرائی را می‌توان در افکار و نوشته‌های روشنفکران آن دوران بدست آورد:

۱-۲- شیوه تدریجی طرح تجدد در کنار دین با تکیه بر قدرت تجدد و تلاش در کشف زمینه‌هایی از دین که با این تجدد سازگار است که در این راستا ملکم خان را می‌توان از پیشگامان این شیوه از گفتمان دانست. طبیعی است که در این شیوه از گفتمان، بخشی از دین هنگامی مورد قبول است که بتواند خود را با تجدد سازگار سازد.

۲-۱-۲ شیوه طرد کامل دین و دفاع از غرب‌گرائی. میرزا فتحعلی آخوند زاده و سید حسن تقی زاده را می‌توان از نمونه‌های بارز این شیوه از گفتمان دانست. تقی زاده در این زمینه معتقد بود که برای ترقی و پیشرفت کشور "از فرق سر تا نوک پا بایستی غربی شد". بعبارت دیگر باید دین کاملاً از صحنه حیات جامعه زدوده شود.

۲-۲ غلبه گفتمان متعادل همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ سنتی با فرهنگ غربی (فرهنگ ایرانی - اسلامی با فرهنگ مدرن غربی).

با گذشت زمان و کسب تجربه‌ها در رویایی سنت و تجدد که بخشی از آن مدیون عدم امکان حذف فرهنگ دینی از جامعه ایرانی است و بخش دیگر آن مرتبط به تسلط اندیشه اصول‌گرایی بر اندیشه اخبار‌گری که اوج آن در گسترش شیوه اجتهاد دینی در استنباط احکام روزمره و امکان سازگاری دین با پیشرفت زمان می‌باشد، گفتمان همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ ایرانی - اسلامی با فرهنگ مدرن غربی و مظاهر تجدد، شیوه غالب گردید. باز هم در اینجا نام سید جمال‌الدین اسدآبادی را بعنوان منادی و پرچمدار این حرکت می‌توان نام برد.<sup>۱۴</sup>

## ۳-۲- غلبه گفتمان فرهنگی بومی (ایرانی-اسلامی) بر فرهنگ تجدد غربی.

در مسیر تعاطلی فکری میان دین و تجدد شاهد مرحله پیشرفته‌ای از گفتمان در این زمینه هستیم که می‌توان آن را غلبه گفتمان مرتبط با فرهنگ ایرانی - اسلامی بر فرهنگ تجدد غربی دانست که خود نوعی از بازگشت به خود و بازیافتن رگه‌هایی از گم‌شده‌های تجدد

در میان فرهنگ خودی دانست. در این مرحله از گفتمان که از نظر زمانی می توان آثار آن را در نیمه های دوم قرن بیستم مشاهده کرد نوعی از پختگی در تجربه های میان دین و تجدد را سراغ گرفت که خود حاکی از گذر جامعه از مراحل مختلف بویژه در دوران شاهی که نوعی از تجدد انحرافی در جامعه القا شده بود می باشد. آل احمد، دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و بویژه شهید مطهری را می توان از پرچمداران این طرز تفکر دانست. با ظهور امام خمینی (ره) و گسترش اندیشه احیای اسلام و حکومت اسلامی در این مقطع تاریخی گفتمان غالب دین گرایی در جامعه ایرانی شکل عمومی بخود گرفت و زمینه را برای پیروزی انقلاب اسلامی مهیا ساخت.<sup>۱۵</sup>

### ۳- گفتمان تجدد: طرح مجدد

همان گونه که در آغاز به آن اشاره گشت، موضوع یا موضوعهای گفتمان تجدد در جامعه ایران در قرن های نوزدهم و بیستم میلادی از نظر ماهیت تغییر چندانی نیافته، بلکه آنچه که عمدتاً تغییر یافته است زبان و جهت گیری و زاویه نگاه به موضوع تجدد است که تحول اساسی یافته است. طرح مجدد گفتمان تجدد بویژه پس از انقلاب اسلامی و بطور جدی تر در چند سال اخیر که جامعه ایرانی از آزادیهای بیشتری در طرح اندیشه و خواسته های خود برخوردار شده است مباحث گوناگونی را بدنبال داشته که می توان جهت گیری و عرصه های مهم گفتمان تجدد و تفاوت گذشته و حال را در این زمینه به شکل زیر ترسیم کرد.

### ۴- عرصه های گفتمان تجدد

#### ۴-۱- آغاز قرن بیستم

مهمترین عرصه های گفتمان تجدد در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در بر گیرنده سه موضوع مهم و حیاتی آن دوران بوده که ناشی از تلاقی دو فرهنگ ایرانی - اسلامی با فرهنگ تجدد غربی است. آنچه که عرصه های مرتبط به دوران آغازین ورود اندیشه تجدد را با عرصه های دوران متاخر متفاوت می سازد ناشی از نیازهای اجتماعی و سیاسی دوران بوده است. جامعه ایرانی در قرن نوزدهم، دارای ویژگیهای کلی به شرح ذیل بوده است:

۱- جامعه ای بی قانون،

۲- جمعیتی که اکثریت آن بی سواد، و

۳- وضعیت اقتصادی ابتدائی.

دغدغه های شخصیت های بزرگی چون امیر کبیر ایجاد تحول در وضعیت آموزشی و اقتصادی کشور بعنوان زمینه ای اساسی برای تحولات بعدی بود.<sup>۱۶</sup> در آن دوران قانون گرایی نیز مورد توجه جدی قرار گرفت. بسیاری از نوشته های آغازین در این زمینه به ضرورت توجه به قانون و حاکمیت قانون بوده است. آنچه که ملکم خان را به صدور روزنامه ای به نام «قانون» وادار ساخت، همین ضرورت اجرای قانون و عدم حاکمیت آن در

جامعه بوده است. ملکم خان تحت تاثیر وجود قانون و نظم حاکم بر جهان غرب در آن دوران بود، بنابراین مشکل اساسی ایران قرن نوزدهم را نیز در همین موضوع دیده است. تأسیس دارالفنون و سپس مدارس مختلف، راه اندازی کارخانجات گوناگون، ایجاد تحول در ساختار ارتش، بازسازی اصول حاکم بر مدیریت دولتی و بالاخره تلاش در جهت تسری قانون بر حوزه‌های مختلف کشور از دغدغه‌های مهم مصلحان و روشنفکران این دوران بوده است.

روزنامه قانون مهمترین مشکل جامعه ایرانی را در بی قانونی می‌دانست.<sup>۱۷</sup> و حاکمیت قانون را ضرورتی می‌خواند که باید مورد توجه قرار گیرد. همه گرایش‌های بعدی از قبیل تغییر زبان فارسی، تحول در شکل لباس و شیوه حاکمیت و اختیارات جامعه و دولت را می‌توان ریشه در سه مشکل اساسی ذیل دانست: ۱- بی قانونی (انحطاط سیاسی- اجتماعی) ۲- بی سوادی (انحطاط فرهنگی) ۳- ضعف بنیادهای اقتصادی (انحطاط اقتصادی) دانست که عرصه‌های اصلی گفتمان تجدد در قرن نوزدهم می‌باشند. دست آوردهای بحث در زمینه قانونمند کردن دولت و جامعه در این دوران را می‌توان بطور فشرده در دو محور ذیل خلاصه نمود.

۱-۱-۴- اجرای قانون و برخورداری از نظم قانونمند در حوزه حاکمیت، سیستم ملت - دولت<sup>۱۸</sup> که از دست آوردهای مهم قرن نوزدهم در تعیین ساختارهای حکومتی است را بدنبال داشت. سیستم حکومتی که بر پایه تشکیل کابینه دولت و تعیین وزرای مختلف است در این دوران شکل گرفت. تحول در ترکیبات زبانی که از مقوله‌های مهم برنامه‌های آموزشی کشور و نحوه نگاه به «هویت»<sup>۱۹</sup> و «تاریخ» و بکارگیری آن در ترکیب ساختارهای جدید فرهنگی و اجتماعی کشور در نتیجه نیاز جدی به نظم حکومتی و اجرای قوانین مختلف در همه ارکان جامعه بود که از دغدغه‌های مهم این دوران بحساب می‌آید.

۲-۱-۴- اجرای قانون و برخورداری از نظم قانونمند در حوزه جامعه و فرد، ضرورت اختیار داشتن در انتخاب نمایندگان، راه اندازی احزاب و گروه‌های مختلف و برخورداری از آزادی‌های گوناگون از جمله آزادی بیان و قلم را بدنبال داشت. انقلاب مشروطیت در قرن نوزدهم تبلور آرمانهای اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در زمینه‌های مذکور به شمار می‌آید.

۲-۴- پایان قرن بیستم

در سالهای پایانی قرن بیستم و پس از گذشت حدود یک قرن از گفتمان تجدد، ایران شاهد گفتمان مجدد تجدد در ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور پس از تحولات گوناگون در سطوح مختلف شده است. در این دوران عرصه‌های مهم گفتمان تجدد را می‌توان پیرامون موارد ذیل دانست:

۱- حاکمیت و اقتدار، ۲- لیبرالیسم و ۳- حدود دین محوری در جامعه شمرد. در بحث مربوط به حاکمیت و اقتدار نگاه تازه به محدودیت‌های قانون اساسی، حدود و ثغور اختیارات مسئولان، نحوه بکارگیری اقتدار حاکمیت در جهت برآورد کردن

آرمانهای جامعه، چگونگی رابطه میان دولت و ملت را شاهد هستیم. در مبحث لیبرالیسم، موضوع جامعه مدنی، اختیارات فردی، آزادیهای اجتماعی - سیاسی و مردم سالاری مطرح است. حدود دین محوری نیز مساله حداقل و حداکثری بودن دین در رابطه با فرد و جامعه و چگونگی رابطه دین با حکومت سالاری و مردم سالاری را مطرح کرده است.

### ۵- آینده گفتمان تجدد

آنچه که بر گفتمانهای مختلف مربوط به تجدد در تاریخ معاصر ایران سایه افکنده است مشکل نسبت همزیستی و امکان زندگی مسالمت آمیز فرهنگ ایرانی - اسلامی با فرهنگ متجدد غربی است. این معضل با بدست آوردن اقتدار حکومتی نه تنها حل نشده، بلکه پیچیده تر هم شده است. مساله مهم در این میان چگونگی تفسیر تجدد و ترسیم حدود و ثغور آن بر اساس فرهنگ ایرانی - اسلامی است. تجددی که بتواند ریشه در فرهنگ خودی داشته و فاصله کافی با فرهنگ غربی غیر خودی پیدا کند. این امکان، با توجه به پشت سر گذاشتن تجدد در میان جوامع غربی و ورود به صحنه فرا تجدد<sup>۲۰</sup> نه تنها مشکل را دو چندان کرده، بلکه به گونه ای لاینحل در آورده است. بر اساس آنچه که گفته شد آیا می توان پیش بینی کرد که گفتمان آینده در زمینه تجدد در جامعه ایران با توجه به عدم امکان جمع کامل میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ سکولار غربی بدنبال طراحی نوعی از تجدد انسانی - اسلامی باشد که بتواند در عصر جهانی شدن<sup>۲۱</sup> و پذیرش نوعی از استقلال در حوزه های فکری و فرهنگی جوامع مختلف با داشتن فصل مشترکی از معیارهای مقبول انسانی - اسلامی باشد. بنظر می رسد که زمان آن فرا رسیده باشد که بطور جدی تر بدنبال بررسی عمیقتر آنچه که در این زمینه لازم است، قبل از گذشت زمان و دچار شدن به بحران دیگری که ریشه در فرا تجدد و جهانی شدن دارد، باشیم.

### جمع بندی

دورن مشروطیت دوران آشنائی هر چه بیشتر ایران با «تجدد غربی» بوده است. تجدد مطرح شده در جامعه ایرانی با تقابل آن با سنت، پیامدهای مختلفی بوجود آورد که در آنها دیدگاههای اندیشمندان و روشنفکران گوناگون را می توان مشاهده کرد. دیدگاههای مزبور حاکی از افراط گرایی مربوط به غرب گرایی تا افراط گرایی مربوط به «بومی گرایی» و حد واسطه های میان این دو بوده است.

محور اصلی گفتمان مزبور در آینده با تکیه بر دست آوردهای جدید فرهنگ اسلامی - ایرانی که در سایه اقتدار حکومتی در حال گسترش بوده و عملاً توانمندی خود را در زمینه های طراحی اندیشه های جدید متکی بر پایه های سنتی - بومی گرایی - اسلامی نشان داده است، می تواند دستخوش تغییرات جدی گردد. تغییراتی که چالش اصلی آن را با «نوسازی غربی» در صحنه های عمل و ساختاری بیش از اندیشه ای و ذهنی است.



## پی‌نوشت‌ها

توجه علمای مذهبی دوران مشروطیت همانند شیخ فضل‌الله نوری بوده است. لذا بسیاری از روشنفکران آن زمان تلاش می‌کردند که گفت‌وگو مطرح شده دربارهٔ تجدد را بر محور عدم تقابل اصول دینی با مفاهیم تجدد شکل داده و از هرگونه درگیری در این زمینه تا حد امکان جلوگیری نمایند. برای توجه به عمق نگرانی مزبور توسط علمای مذهبی بخشی از نامهٔ شیخ فضل‌الله نوری به علمای شهرستانها آورده می‌شود:

«امروز دشمنان شما در این مملکت به دستیاری منافقین وضعی فراهم آورده‌اند که دین شما و دولت شما هر دو را ضعیف کرده‌اند و در خطر عظیم جماعت آزادی طلب به توسط دو لفظ دلربای عدالت و شورای برادران ما را فریفته و به جانب لامذهبی می‌رانند. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید. اگر این سر سیاسی را از دارالخلافه و غیرها استکشاف فرمودید، خواهید دید که در این فتنه عظمی بزرگ‌الاسلام کله‌الی الکفر کله...» (توکان، محمد، مجموعه‌ای از رسائل، اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری، بی‌جا، مؤسسه خدمات فرهنگی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۱۴۹ و ۱۵۰).

۶- آزاد ارمنی، ۱۳۸۰، ص ۹۳.

۷- زاهد، سعید، «تحلیلی دیگر از انقلاب مشروطه ایران»، نهضت مشروطیت ایران، مجموعه مقالات، جلد اول، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲.

۸- ملک‌خان، میرزا، قانون، شماره ششم، ص ۱۰، انتشارات کویر، ۱۳۶۹.

۹- همان، شماره سیزدهم، ص ۳ و ۴.

۱۰- زیبا کلام، صادق، سنت و مدرنیسم، چاپ اول، انتشارات روزنه، (تهران، ۱۳۷۷)، ص ۴۴۵. به نقل از حامد الگار، میرزا ملک‌خان، شرکت سهامی انتشار، (تهران، ۱۳۶۸).

۱۱- «میرزا فتحعلی آخوند زاده» با صراحت تمام پذیرش تمدن غربی را معارض با دین و اسلام می‌دانست. از این رو متفکری ضد دین شناخته شده است. (آزاد ارمنی، ۱۳۸۰، ص ۹۵).

۱۲- ر. ک. به: علوی، سید علی، زندگی و زمانه سید حسن تقی زاده، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.

۱۳- «طالبوف» این نوع تقلید را لازم می‌شمرد چرا که معتقد بود ما «مجبوراً بایست همرنگ سایر ملل بشویم.» (قاضی مرادی، حسن، نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ی ایرانی، نشر اختران، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹).

\* تهیه شده در گروه ارتباطات دین مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)

۱- به عبارت دیگر پژوهش‌های موجود در این زمینه بجای «مسأله محور» بودن عمدتاً «موضوع محور» بوده که به نتایج قابل توجهی برای حل اساسی مسائل مربوطه منجر نشده است.

۲- به عنوان مثال: آزاد ارمنی، تقی، مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، نشر اجتماع، ۱۳۸۰.

۳- از کتابهای قابل توجه در این زمینه که تلاش کرده‌اند، با استفاده از زبان و زاویه‌های جدید به موضوع سنت و مدرنیته توجه کنند می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

- آزاد ارمنی، تقی، اندیشه نوسازی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.

- فوزی، یحیی، «مذهب و نوسازی در ایران: مطالعه موردی مواضع امام خمینی(ره)»، اسلام و توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش، به اهتمام نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی، تدوین: پژوهشکده فرهنگ و معارف، نشر: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- آزاد ارمنی، تقی، پاتوق و مدرنیته ایرانی، لوح فکر، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- قاضی مرادی، حسن، نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ی ایران، نشر اختران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- آزاد ارمنی، تقی، مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، دفتر مطالعاتی - انتشاراتی اجتماع، چاپ اول، ۱۳۸۰.

- تاجیک، محمد رضا، تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- آزاد ارمنی، تقی، تغییرات اجتماعی در ایران، نشر اجتماع، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴- گفت‌وگو اجتماعی (Social Discourse) در اینجا به شکل کلی آن که شامل گفت‌وگو سیاسی و گفت‌وگو فرهنگی است بکار گرفته شده است. لازم به ذکر است که گفت‌وگو سیاسی علی‌رغم خاصیت نخه‌گرایی آن و گفت‌وگو فرهنگی که می‌توان آن را نوعی برداشت و تعامل اندیشه با ابزارهای گوناگون زندگی که ریشه در همه افراد جامعه دارد، تأثیر گذار اصلی و محرک اساسی گفت‌وگو و رویکردهای مختلف اجتماعی‌اند و بنابر این بکار بردن واژه «گفت‌وگو اجتماعی» می‌تواند شمولیت بیشتری از دو گفت‌وگو دیگر داشته باشد.

۵- ترس از غلبیدن مفاهیم دین و گفت‌وگو دینی در عرصه‌های تجدد کفرآمیز، یکی از خطراتی است که مورد

۱۷- ملکم خان در همان شماره اول روزنامه قانون، اساس

مشکلات مملکت را بی قانونی می‌داند. به بخشی از آنچه که در این زمینه آمده اشاره می‌شود.

«ایران مملو است از نعمات خداداد.

چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است.

هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست.

حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون.

سرتیب معزول می‌کنیم بدون قانون.

حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون.

بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون.

خزانه می‌بخشیم بدون قانون.

شکم پاره می‌کنیم بدون قانون.» (قانون، شماره اول، ص ۱).

و یا در جای دیگر تاکید می‌کند که برای تنظیم یک دولت قوانین متعدد لازم است.

«بدیهی است که از برای تنظیم یک دولت قوانین متعدد لازم است. عدالت و سیاست، زراعت و تجارت، لشکر و مالیات و هر یک از فروع اداره در هر مللک و در هر مقام یک قانون بخصوص لازم دارند.» (قانون شماره چهار، ص ۲)

18-Nation – State.

19- Identity.

20- Postmodernism.

21- Globalization

۱۴- به کتابهای ذیل مراجعه شود:

اراکي، محسن، دوره‌ها و پیشگامان بیداری اسلامی معاصر، ترجمه: محمد مقدس، انتشارات فراکتاب، چاپ اول، ۱۳۷۱.

Araki, M. (2001) Contemporary Islamic Awakening: Phases and Pioneers, London, Bookextra.

۱۵- امام خمینی (ره) با احیای اسلام و حاکمیت اسلامی و ایجاد بیداری در جوامع اسلامی، عملاً الگوی جدیدی از «تجدد اسلامی» یا به عبارت دیگر «نوسازی اسلامی» در برابر «نوسازی غربی» را مطرح کردند که گرچه تئوریه‌ها و اصول آن هنوز در حال تکمیل شدن است، اما آثار گسترده آن بر روی اندیشه‌ها، نوشته‌ها و طرحهای اندیشمندان و روشنفکران مسلمان در جهان اسلام بخوبی دیده می‌شود.

۱۶- امیرکبیر را شاید بتوان بزرگترین اندیشمندی دانست که «تجدد آموزشی» را به عنوان مهمترین عامل توسعه و دگرگونی اجتماعی در ایران دانست. وی قبل از آنکه دانیل لونی (۱۸۵۴) در کتاب «گذار جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه» به اهمیت آموزش در توسعه کشورهای خاورمیانه اشاره کند، امیرکبیر با دایر کردن اولین دانشگاه آموزشی یعنی «دارالفنون» و تلاش در ایجاد تحول در سطح آموزشی کشور، به عامل «آموزشی» به عنوان محرک اصلی توسعه و نوسازی در کشور توجه نمود.

## منابع:

- ۹- زاهد، سعید، «تحلیلی دیگر از انقلاب مشروطه ایران»، نهضت مشروطیت ایران، مجموعه مقالات، جلد اول، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- زیبا کلام، صادق، سنت و مدرنیسم، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۱- علوی، سید علی، زندگی و زمانه سید حسن تقی زاده، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.
- ۱۲- فوزی، یحیی، «مذهب و نوسازی در ایران: مطالعه موردی مواضع امام خمینی (ره)»، اسلام و توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش، به اهتمام نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه شهید بهشتی، تدوین: پژوهشکده فرهنگ و معارف، ناشر: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۳- قاضی مرادی، حسن، نوسازی سیاسی در عصر مشروطه‌ی ایران، نشر اختران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۱۴- ملکم خان، میرزا، قانون، انتشارات کویر، ۱۳۶۹.

- ۱- آزاد ارمکی، تقی، اندیشه نوسازی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی، مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، نشر اجتماع، ۱۳۸۰.
- ۳- آزاد ارمکی، تقی، مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، دفتر مطالعاتی - انتشاراتی اجتماع، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۴- آزاد ارمکی، تقی، پاتوق و مدرنیته ایرانی، لوح فکر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۵- آزاد ارمکی، تقی، تغییرات اجتماعی در ایران، نشر اجتماع، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۶- تاجیک، محمد رضا، تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۷- ترکان، محمد، مجموعه‌ای از رسائل، اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری، بی‌جا، مؤسسه خدمات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۸- حامد الگار، میرزا ملکم خان، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۸.